حضرت امام صادق(ع):
نماز شب، انسان را خوش‌سیما، خوش‌اخلاق و خوشبو می‌کند، روزی را زیاد و بدهی را پرداخت می‌نماید، غم و اندوه را از بین می‌برد و چشم را نورانی می‌کند.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیامرسان: vatanemrooz@ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰
وطن امروز

به عبارت دیگران

حق دوست و همنشین

گردآورنده: نقی دژاکام

حق «دوست» آن است که با او با انصاف و کرم مصاحبت کنی و چنانکه تو را گرامی می‌دارد، او را گرامی بداری که در این‌کار بر تو پیشی نگیرد و اگر پیشی گیرد، او را پاداش دهی و بر او چنان مهربان باشی که او بر تو مهربان است و اگر آهنگ گناهی کند، او را از آن باز داری و بر او رحمتی باشی نه عذابی.

حق «معاشر»: حق آن کس که با تو معاشرت کند آن است که او را فریب ندهی و با او نیرنگ نبازی و در کار او از خدا بپرهیزی.

حق «همنشین» تو آن است که با او نرمی کنی و در گفت‌وگو با وی انصاف دهی و از جای خود بی‌اجازه او برنخیزی، ولی آن کس که نزد تو می‌نشیند می‌تواند بی‌اجازه تو برخیزد و لغزش‌های او را فراموش کنی و نیکی‌های او را از یاد نبری و جز خیر به او نگویی.

امام سجاد(ع) / پیشوایان معصوم
مؤسسه در راه حق قم
صفحات ۲۸۲ و ۲۸۳

***

اولتیماتوم آیت‌الله کاشانی برای بازگشت دکتر مصدق

تاریخ، جواب قاطعی را ثبت کرده است که هیجان عمومی و قیام ۳۰ تیر را موجب شد. کاشانی در جواب این پیشنهاد وسوسه‌انگیز، با حمیت منحصربه فرد دینی و در دفاع از دولت مصدق نوشت: «جناب آقای علا دام ظله! عرض می‌شود دیروز بعد از شما ارسنجانی از جانب قوام‌السلطنه آمد و گفت به شرط سکوت، قوام انتخاب ۶ وزیرش را در اختیار من می‌گذارد. همان‌طور که حضوری عرض کردم، به عرض اعلی‌حضرت برسانید اگر در بازگشت دولت دکتر مصدق تا فردا اقدام نفرمایند، دهانه تیز انقلاب را با جلوداری شخص خودم متوجه دربار خواهم کرد. در انتظار اقدامات مجدانه شما».

محمد ایمانی
مؤلفه‌های تاریخی مدنیت ولایی در ایران
انتشارات کیهان
صفحات ۲۱۲ و ۲۱۳

***

به دعوت شاهنشاه!

چهارشنبه ۳۰ مهر ۱۳۵۴: بریده‌ای از روزنامه نیویورک تایمز درباره اینکه روشنفکران این مملکت طالب اصلاحات اجتماعی بنیادی هستند را به شاهنشاه دادم. اصلاً خوشش نیامد. گفتند: احمق‌های پفیوز. این روشنفکران فکر می‌کنند که کی هستند؟ یک مشت بیکاره‌های بزدلی هستند که انتقادات‌شان صرفاً به دعوت خود ما صورت گرفته است.

اسدالله علم
خاطرات

***

موساد به چه امید بسته است؟

روزنامه‌نگاران متعددی مدعی بودند که «موساد» به عنوان یک پیمانکار آدم‌کشی در ایران عمل می‌کند. آنها حدس می‌زدند که قاتلان توسط اسرائیلی‌ها از گروه‌های مخالف مانند مجاهدین خلق یا گروه جندالله استخدام می‌شوند. این موضوع واقعیت دارد؛ زیرا برنامه نبرد [مئیر] داگان [رئیس وقت موساد]، استفاده از گروه‌های ناراضی بود. در یک تلگراف وزارت خارجه آمریکا از قول رئیس موساد گفته شده است که او به مقامات آمریکایی اظهار داشته که آمریکا و اسرائیل باید از نارضایتی اقلیت‌های بلوچ، آذری و کرد بهره‌برداری کنند. داگان همچنین پیشنهاد کرده بود که باید از فعالیت دانشجویی طرفدار دموکراسی پشتیبانی به عمل آورد.

دان راویو و یوسی ملمن / جاسوسان علیه آخرالزمان
مرتضی میرمطهری
انتشارات اطلاعات - صفحات ۴۴ و ۴۵

***

حسرت در فاصله ۲ سنگر...

چند پتو برداشتم و زیر و رویم کشیدم. هنوز ۵ دقیقه چشمانم گرم خواب نشده بود که دوباره حالم به‌هم خورد. پتوی نرم و راحت را کنار زدم و از سنگر بیرون رفتم. محمد مؤمنی رفت و درست جای من دراز کشید. کمی دورتر به فاصله ۱۰ متری، سنگر دیگری بود که هیچ امکاناتی نداشت. نه پتویی و نه آبی و نه هیچ چیز دیگر. همان‌جا دراز کشیدم و سرم را روی کلوخ گذاشتم و عجیب بود که آنجا خیلی آرام و راحت خوابم برد.

تاظهر خوابیدم. از گرسنگی بیدار شدم و به سمت سنگر قبلی رفتم اما هیچ نشانی از آن سنگر نبود. انگار لودر گذاشته و تخریبش کرده بودند. یکی از نیروهای تعاون آنجا بود. وقتی قیافه پرسان و متعجبم را دید، گفت: «تو تا حالا کجا بودی؟»

-همین کنار خوابیده بودم. مگر چه اتفاقی افتاده؟ چرا این سنگر خراب شده؟

-۲ ساعت پیش یک گلوله توپ از داخل هواکش، داخل این سنگر رفت و همه بچه‌هایی که داخل آن بودند تکه‌تکه شدند.

شوکه شدم. باور نمی‌کردم. همان‌جا که من خوابیده بودم محمد مؤمنی خوابید. هاج‌وواج مانده بودم که اصلا چرا با مؤمنی جایم را عوض کردم؟

اصلا کم آورده بودم. قدرت تحلیل این موضوع را نداشتم. فکر می‌کردم پرونده‌ام پیش خدا آنقدر سیاه است که تا آستانه شهادت می‌روم اما مردود می‌شوم و بچه‌هایی که بعد از من می‌آیند زودتر به کاروان شهدا می‌رسند.

حمید حسام / وقتی مهتاب گم شد
خاطرات علی خوش‌لفظ
انتشارات سوره مهر - صفحات ۵۳۰ و ۵۳۱

آخرین نسخه سوپرمن اعتراض صهیونیست‌ها را برانگیخت

سوپرمن، ناجی غزه؟

میلاد جلیل‌زاده

نمایش نسخه جدید فیلم «سوپرمن» در ایالات متحده یکی از عجیب‌ترین و غیرقابل پیش‌بینی‌ترین جنجال‌های سینمایی در سال‌های اخیر را پدید آورده است. سوپرمن شخصیتی است که نخستین بار سال ۱۹۳۳، یعنی همان زمانی که در آلمان شخصیتی مثل هیتلر در حال روی کار آمدن بود، توسط ۲ دوست یهودی به نام‌های جری سیگل و جو شوستر خلق شد. این شخصیت در یک سیاره خیالی به نام کریپتون متولد می‌شود اما والدینش چند لحظه قبل از نابودی سیاره، او را در یک سفینه کوچک می‌گذارند و به فضا می‌فرستند. چیزی شبیه داستان گهواره حضرت موسی که توسط مادرش به آب سپرده شد. او روی زمین و در آمریکا فرود می‌آید و یک زوج کشاورز به فرزندی قبولش می‌کنند. سوپرمن نمادی از مهاجران آمریکا بود که با غلظت بالایی به این کشور و اقتدارش عشق می‌ورزید و تا به حال ده‌ها فیلم و سریال بر اساس این شخصیت ساخته شده است. حالا اما در نسخه ۲۰۲۵ سوپرمن که جیمز گان کارگردان آن بوده، شباهت‌های واضحی بین عناصر داستانی آن با موضوع جنگ رژیم صهیونیستی و مردم غزه دیده شده است. عده بسیار کمی سعی کردند این شباهت‌ها را نفی کنند یا تصادفی بدانند اما تعداد بسیار بیشتری از مخاطبان و حتی مفسران حرفه‌ای، به این شباهت اذعان داشتند. با کنار هم قرار دادن استدلال‌های ۲ طرف ماجرا و وزن‌کشی میان آنها و صحت‌سنجی‌شان، می‌شود به این نتیجه قطعی رسید که این مشابهت‌سازی توسط خود عوامل فیلم به صورت عمدی انجام شده است؛ هرچند خود کارگردان می‌گوید وقتی فیلمنامه سوپرمن در سال ۲۰۲۳ نوشته می‌شد، اتفاقات غرب آسیا تا این حد بحرانی نشده بود. کسانی که مشابهت بین ماجرای این فیلم با اتفاقات غزه را مورد اشاره قرار داده‌اند، فقط هواداران فلسطین نیستند، بلکه طرفداران رژیم صهیونیستی هم به این موضوع اعتراف و به تعبیر دقیق‌تر اعتراض دارند. از رهگذر نگاه به این فیلم و واکنش‌هایی که نسبت به آن صورت گرفت، می‌توان چند نکته را درباره نسبت جوامع غربی با مساله فلسطین و اسرائیل فهمید. نکته اول اینکه خفقان شدید در غرب اجازه کوچک‌ترین اظهار نظری درباره مساله فلسطین را از چهره‌های مشهور گرفته و از برچسب نیمه‌حقوقی یهودستیزی تا کنسل شدن عملی اما عموماً غیررسمی فعالیت‌های شغلی، از بسیاری از ابزارها برای کنترل و مهار آنها استفاده می‌شود. این مساله رفته‌رفته وضعیتی بغرنج برای صنعت سرگرمی در ایالات متحده پدید آورده است، چراکه بین محتوای این آثار و مواضع فعالان در این عرصه با آنچه در کانون توجه افکار عمومی قرار گرفته، فاصله زیادی ایجاد شده است. در حالی که طبق دقیق‌ترین نظرسنجی‌های اخیر، ۵۳ درصد مردم ایالات متحده از اسرائیل متنفر هستند و این رقم در افراد ۱۸ تا ۲۸ سال به حدود ۷۰ درصد می‌رسد و رو به افزایش هم هست، سینمای آمریکا و چهره‌های مشهور آن نمی‌توانند ذره‌ای با این موج عظیم هواداران‌شان همزبان و همدل باشند. چنین چیزی به طور قطع کار صنعت سرگرمی را به‌شدت دشوار می‌کند. نکته دوم به مفهوم خیر و شر در جهان و بازتاب آن در ذهن افکار عمومی مرتبط است. در جهان امروز کار به جایی رسیده که وقتی در فیلمی یک ارتش قوی‌تر اما شرور و یک کشور ضعیف‌تر اما برحق و مظلوم نمایش داده می‌شود، همه حتی هواداران صهیونیسم، خود به خود اسرائیل را در جایگاه شرور و فلسطین را در جایگاه مظلوم قرار می‌دهند. صهیونیست‌ها سال‌ها در تلاش بودند برای حضورشان در فلسطین استدلال‌تراشی کنند و از تمام نیروهای مقابل‌شان چهره‌هایی اهریمنی بسازند اما حالا دیگر همه این ابزارها ناکارآمد شده‌اند، وضعیت دگرگون شده و رژیم صهیونیستی به هیچ‌وجه نمی‌تواند حقیقت را وارونه جلوه بدهد. در این شرایط آنها راهی جز پذیرفتن بدنامی و ادامه اعمال‌شان با وقاحت ندارند؛ چیزی که عملاً در غزه و غیر از آن در لبنان، سوریه و ایران طی همین یکی دو سال پیش از سمت رژیم صهیونیستی دیده شد. به‌علاوه آنها ناچارند تعارفات گذشته‌شان با مقوله‌هایی مثل آزادی بیان را هم کنار بگذارند و به طور واضح مقابل کوچک‌ترین حرف‌هایی که در انتقاد از خودشان است بایستند. نکته سوم به نقش ایالات متحده در این رویداد برمی‌گردد. فیلم سوپرمن آمریکا را حامی آن دولت جابر و ستمگر نشان می‌دهد و واکنش‌ها به این فیلم نشان می‌دهد که افکار عمومی آمریکا از چنین چیزی ناخشنود است. رئیس‌جمهور آمریکا در این فیلم به ترامپ تشبیه شده و سوپرمن به عنوان یک منجی خیالی که خیلی‌ها آرزوی هبوط آن و از میان برداشتن این شرارت‌های ناتمام را دارند، کسی است که مقابل این رئیس‌جمهور می‌ایستد. کاخ سفید اما پوستری منتشر کرد که در آن سوپرمن توسط فتوشاپ با سر ترامپ جابجا شده بود و اعلام شد ترامپ سوپرمن است! این اظهار نظر شاذ و دور از شأن سیاسی، نشان می‌داد که خود ترامپ هم از اینکه در حال معرفی شدن به عنوان حامی نسل‌کشی است احساس خطر می‌کند و می‌خواهد خود را به عنوان حامی صلح جا بزند؛ هرچند به نظر نمی‌رسد تلاش او جهت جا انداختن چنین باوری به نتیجه برسد. در ادامه به بررسی فیلم سوپرمن و مشابهت‌های آن با مسائل غزه و واکنش‌های متعددی که نسبت به این فیلم شکل گرفت پرداخته شده است.

نمایش غبارآلود جنگ غزه در هالیوود

جدیدترین نسخه سوپرمن به نویسندگی و کارگردانی جیمز گان کار شده و او به همراه پیتر سفرن یکی از ۲ تهیه‌کننده کار هم بوده است. دیوید کورنسوت در این فیلم نقش سوپرمن را بازی کرده است. فیلم با حضور شخصیت سوپرمن آغاز می‌شود که به‌تازگی از حمله سرزمین خیالی به جرهانپور جلوگیری کرده است. این ۲ کشور خیالی قبلا هم در کمیک‌های دی‌سی نام برده شده بود اما جنگ بین آنها، اختراع جیمز گان در این نسخه است. بوراویا که به رژیم صهیونیستی تشبیه شده، کشوری در اروپای شرقی است که با رهبران روس‌زبان و ساختمان‌های گنبدی شکلش مشخص می‌شود و جرهانپور کشوری با جمعیت عمدتاً قهوه‌ای‌پوست یا به تعبیری شبیه بعضی از نژادهای اعراب است. در پایان فیلم، سوپرمن باید از دومین تلاش بوراویا برای حمله به این کشور جلوگیری کند. مکالمه بین سوپرمن و لوئیس لین (با بازی ریچل بروسناهان) یادآور گفتمانی درباره اسرائیل و فلسطین است. همه از مداخله سوپرمن راضی نیستند، بویژه که بوراویا متحد ایالات متحده است. لوئیس ادعای بوراویا را مطرح می‌کند که هدف آنها آزادسازی جرهانپوری‌ها از یک دولت استبدادی است. سوپرمن استدلال می‌کند که دولت فاسد بوراویا به‌سادگی این را بهانه‌ای برای جایگزین کردن یک دولت همسو با خودش قرار داده است. در این مکالمه تقریباً به طور کامل بحث بر سر این است که آیا اسرائیل در تلاش است فلسطینی‌ها را از حکومت حماس که آن را استبدادی می‌خواند آزاد کند یا فقط به دنبال بهانه‌ای برای تحت کنترل درآوردن غزه است. تصاویر سربازان بوراویایی با لباس نظامی کامل که به جمعیتی از غیرنظامیان جرهانپوری تجاوز می‌کنند، صحنه‌هایی از حمله سربازان نیروهای اسرائیل به بیمارستان‌ها و مدارس غیرنظامی غزه را به ذهن متبادر می‌کند. لکس لوتر، شخصیت شرور و میلیاردر این مجموعه، به عنوان اشاره‌ای احتمالی به دونالد ترامپ در نظر گرفته شده است. ایوان تنها کسی نبود که می‌گفت این فیلم پرفروش جدید، پیام ضمنی - یا حتی صریح - ضداسرائیلی دارد. رسانه‌های اجتماعی پر از نظریه‌هایی است که یکی از نکات اصلی داستان فیلم - ماموریت سوپرمن برای جلوگیری از تهاجم به یک کشور فقیر خیالی به نام جرهانپور توسط بوراویا تحت حمایت آمریکا - تمثیلی از درگیری اسرائیل و حماس است. «کریستال بال»، مفسر سیاسی و منتقد همیشگی اسرائیل، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «احساس می‌کنم این یک لحظه فرهنگی بزرگ است که اسرائیل به وضوح در یک فیلم هالیوودی با بودجه کلان، نقش آدم بدها را بازی می‌کند. وقتی وارد سالن شدم، (با توجه به چیزهایی که از قبل در این باره شنیده بودم)، فکر می‌کردم این کار به شکل نامحسوس انجام گرفته است اما اصلا نامحسوس نبود. اما این مساله واکنش‌هایی می‌شود، زیرا او بوراویا را با جریان بی‌پایانی از سلاح‌ها تجهیز می‌کند و واسیل گورکوس، رئیس‌جمهور دیکتاتور بوراویا که با لهجه غلیظ روسی یا اروپای شرقی صحبت می‌کند، ترکیبی کاریکاتوری از بنیامین نتانیاهو و دیوید بن گوریون به نظر می‌رسد. در نتیجه، طرفداران و منتقدان فیلم، این فیلم را جزو صریح‌ترین فیلم‌های ضد اسرائیلی که تاکنون ساخته شده‌اند و ضدصهیونیستی‌ترین پروژه بزرگی که هالیوودی‌ها می‌توانند بدون قرار گرفتن بازیگران و عوامل‌شان در لیست سیاه بسازند، نامیده‌اند. مخاطبان همچنین از این فیلم به خاطر اینکه به هر ۲ جناح حاکم بر آمریکا گرایش نداشت و مانند بسیاری دیگر از نمونه‌های ابرقهرمانی در گذشته، مثل کاپیتان آمریکا، یک فیلم ابرقهرمانی تبلیغاتی دیگر را به نمایش نگذاشت، تمجید کردند. پایان فیلم همچنین شباهت‌هایی به اعتراضات مرزی غزه در سال‌های ۱۹-۲۰۱۸، که با نام راهپیمایی بزرگ بازگشت هم شناخته می‌شود، دارد که در آن فلسطینی‌ها خواستار حق بازگشت و پایان اشغال اسرائیل شدند. صحنه پایانی فیلم، کودکان و مردانی را نشان می‌داد که پس از نجات ساکنان جرهانپور توسط سوپرمن در فیلم، پرچم او را برافراشتند؛ یادآور کاری که مردم غزه در جریان اعتراضات بزرگ بازگشت با پرچم فلسطین انجام دادند. صحنه‌های دیگری که به جنگ اسرائیل در غزه اشاره دارند شامل طبیعت بیابانی لوکیشن جرهانپور است و اینکه به وضوح نشان داده می‌شود عده‌ای از ساکنان این سرزمین مسلمان هستند. از دیگر اشارات فیلم به این موضوع می‌توان به جایی توجه کرد که لوئیس لین، خبرنگار و معشوقه کلارک کنت یا همان شخصیت سوپرمن، در حالی که همه مخاطبان جنایات بوراویا را مقابل چشم‌شان دیده‌اند، می‌گوید ساکنان جرهانپور بی‌تقصیر نیستند، که این اشاره، روایت‌های غیرانسانی رسانه‌های اسرائیلی و غربی درباره مردم فلسطین را منعکس می‌کند.

شرور روس و ناجی سفید

غیر از مساله فلسطین، این فیلم را به نوعی می‌شود تعریضی به قوانین ضدمهاجرتی ترامپ هم دانست و در ضمن علاقه‌مندان به سینما از اظهارات فیلم که مجتمع‌های نظامی-صنعتی، میلیاردرها و الیگارشی‌ها را مورد انتقاد قرار می‌داد، تمجید کردند.

دوگانه یک ارتش قوی‌تر که به یک کشور ضعیف حمله کرده، می‌تواند یادآور حمله روسیه به اوکراین هم باشد و شباهت بوراویا به اروپای شرقی می‌توانست در جهت همین تفسیر کار کند اما اینکه کشور متجاوز مورد حمایت آمریکا باشد و کسانی که به خاک‌شان تعرض شده عرب و مسلمان باشند، جای تردید چندانی درباره عطف نمادین داستان به مساله غزه باقی نمی‌گذارد. به‌علاوه رژیم صهیونیستی پر است از شهروندان روس‌تبار.

نشان دادن حاکم این کشور تجاوزگر با ملیت روس می‌تواند تاکتیکی برای فرار از اتهامات صهیونیست‌ها باشد و می‌تواند چیزی باشد که فیلم ابتدا می‌خواسته به سمت آن برود و پس از اخذ تصمیمات بعدی که مرتبط با موضوع فلسطین هستند، از طرح یا پیرنگ قبلی در طرح جدید باقی مانده است.

یکی از نکات قابل توجه درباره سوپرمن ۲۰۲۵ این است که سال گذشته باسم یوسف، هنرپیشه مصری‌الاصل هالیوود اعلام کرد به دلیل حمایتش از مردم غزه، از این پروژه کنار گذاشته شده است. قرار بود نقش واسیل گورکوس، رئیس‌جمهور بوراویا را بازی کند اما حالا یکی از منتقدان آمریکایی به نام ادوارد هونگ می‌گوید بسیار خوشحال است که باز هم یک نفر از جنوب جهانی در نقش شرور فیلم‌های آمریکایی ظاهر نشد. باسم یوسف می‌گوید جیمز گان با او جلسه‌ای گذاشت و جزئیات داستانی را که دیگر قرار نبود در آن بازی کند شرح داد و بعد از این گفت‌وگو همه سوءتفاهمات بین آنها برطرف شد. این اما باعث نمی‌شود که انتقاداتی متوجه فیلم نباشد. در این فیلم هم هالیوود مجدداً سراغ عنصر داستانی «ناجی سفید» رفته است. در بسیاری از فیلم‌های هالیوود که ظاهری ضدنژادپرستی داشتند، نهایتاً یک سفیدپوست که از همه آن رنگین‌پوستان تحت ستم باهوش‌تر و لایق‌تر است، به رهبری آنها برمی‌خیزد و نجات‌شان می‌دهد. منتقدان چنین درونمایه‌ای، آن را از فیلم‌هایی که علناً به نژادهای غیرسفید توهین می‌کنند مضرتر می‌دانند و اینجا هم سوپرمن عملاً یک ناجی سفید است و ما نهایتاً مالک علی را داریم که کاری نمی‌کند جز فدا شدن برای سوپرمن و کمک به بسط شخصیت او در قصه.

مالک علی (با بازی دینش تیاگاراجان)، یک فلافل‌فروش دوره‌گرد است که با وجود شرایط پیچیده‌ای که سوپرمن در آن قرار داشت، برای کمک به او از هیچ کاری دریغ نکرد و حتی حاضر شد جانش را در این راه بگذارد.

عبور از خط قرمز هالیوود

ماجرای مشابهت‌سازی بین طرفین درگیری در فیلم سوپرمن با رژیم صهیونیستی و مردم غزه، چیزی نیست که رسانه‌های رسمی و جریان اصلی جهان غرب قصد یا حتی جرأت پرداختن به آن را داشته باشند اما این بحث به قدری در فضای نیمه‌رسمی یا غیررسمی گسترش یافت که دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. یک منتقد سینمایی آماتور به نام ایوان به «سوپرمن» ۵ ستاره داد و در پلتفرم لترباکس (Letterboxd)، هویت بصری منحصربه‌فرد فیلم را ستود و جیمز گان، کارگردان و فیلمنامه‌نویس را بهترین کارگردان کمیک نامید. او افزود: «فیلمی بسیار ضداسرائیلی که دیدن چنین محتوایی از یک فیلم پرفروش استودیویی عالی است». وقتی نقد مختصر ایوان توسط حداقل یک کاربر در X (همان توئیتر سابق) به اشتراک گذاشته شد، بیش از ۱۱ میلیون بازدید به دست آورد و ماجرا تقریبا از همین‌جا شروع شد.

ایوان تنها کسی نبود که می‌گفت این فیلم پرفروش جدید، پیام ضمنی - یا حتی صریح - ضداسرائیلی دارد. رسانه‌های اجتماعی پر از نظریه‌هایی است که یکی از نکات اصلی داستان فیلم - ماموریت سوپرمن برای جلوگیری از تهاجم به یک کشور فقیر خیالی به نام جرهانپور توسط بوراویا تحت حمایت آمریکا - تمثیلی از درگیری اسرائیل و حماس است. «کریستال بال»، مفسر سیاسی و منتقد همیشگی اسرائیل، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «احساس می‌کنم این یک لحظه فرهنگی بزرگ است که اسرائیل به وضوح در یک فیلم هالیوودی با بودجه کلان، نقش آدم بدها را بازی می‌کند. وقتی وارد سالن شدم، (با توجه به چیزهایی که از قبل در این باره شنیده بودم)، فکر می‌کردم این کار به شکل نامحسوس انجام گرفته است اما اصلا نامحسوس نبود. اما این مساله واکنش‌هایی منفی از سمت هواداران رژیم صهیونیستی را هم در پی داشت. مثلا در ردیت، برخی حامیان اسرائیل از گان و استودیوهای دی‌سی به خاطر القای پیام ضداسرائیلی فیلم انتقاد می‌کنند. یکی از کاربران در r/Israel، که یک «ساب ردیت» برای حامیان اسرائیل است، نوشت: «من این را بسیار بی‌احترامی و ناراحت‌کننده می‌دانم که از یک ابرقهرمان خلق شده توسط ۲ هنرمند یهودی، اکنون برای تبلیغ پیام‌های ضداسرائیلی به جهان استفاده می‌شود». با وجود اینکه هالیوود بازوی جنگ نرم ایالات متحده است و آن را می‌توان پیوستی فرهنگی برای هژمونی‌طلبی این رژیم دانست، اگر در تاریخ سینمای آمریکا جست‌وجو شود درباره هر موضوعی می‌توان فیلم‌هایی را یافت که لااقل در یک زمینه خاصی خلاف گفتمان رسمی و غالب باشند. حتی در بعضی فیلم‌ها تجزیه آمریکا در آینده یا سقوط امپراتوری‌اش پیش‌بینی شده اما یک خط قرمز وجود دارد که هیچگاه از آن عدول نشده و آن هم کوچک‌ترین نقد یا تعریضی به رژیم صهیونیستی بوده است. به عبارتی هر چیزی را در این جهان شگفت‌انگیز با غافلگیری‌های پی‌درپی‌اش می‌توان تصور کرد جز اینکه هالیوود یا حتی بخش‌های مستقل سینمای آمریکا فیلمی صریح در محکومیت رژیم صهیونیستی بسازند. حالا اما افکار عمومی ایالات متحده چیز دیگری می‌پسندد و هالیوود که برای کسب درآمد باید با همین افکار عمومی کنار بیاید، در موقعیت پیچیده‌ای قرار گرفته است. نمایش نمادین و تلویحی یک محکومیت علیه اسرائیل تا همین جای کار در فیلم سوپرمن به قدری در گیشه‌ها سودآور بود که ممکن است در آینده هم سرمایه‌گذاران یا فیلمسازان دیگر را به فکر آن بیندازد که از همین روش استفاده کنند. البته لابی قدرت هم بیکار نمی‌نشیند و از ابزارهایش برای مقابله با این وضعیت استفاده خواهد کرد.

جنگ میهنی

نگاه

ادامه از صفحه اول

به باور او، همزمان با اوج گرفتن جنگ در ایران، مردم در حال رسیدن به این نتیجه بودند که این نه جنگی علیه یک نظام سیاسی که علیه زندگی تمام مردم ایران است: «با شدت گرفتن حملات و هدف قرار دادن زیرساخت‌ها و کشته شدن شهروندان عادی، بسیاری از ایرانیان شروع به این نتیجه‌گیری کردند که این حملات نه‌تنها جنگی علیه رژیم [سیاسی]، بلکه علیه ملت ایران است. این احساسات پس از آن بیشتر شد که ترامپ و مقامات اسرائیلی از ساکنان تهران خواستند خانه‌های خود را تخلیه کنند». او به مصاحبه یکی از شهروندان ایرانی با روزنامه فایننشال‌تایمز هم اشاره می‌کند که گفته بود: «من طرفدار جمهوری اسلامی نیستم اما اکنون وقت آن است برای ایران همبستگی نشان دهیم. ترامپ و نتانیاهو که می‌گویند تخلیه کنید، انگار به سلامت ما اهمیت می‌دهند. چگونه می‌شود شهری با ۱۰ میلیون نفر تخلیه شود؟ من و شوهرم قرار نیست زمین را برای آنها هموار کنیم. بگذارید ما را بکشند». آیت‌اللهی‌تبار اشاره می‌کند تجاوز رژیم صهیونیستی به ایران، موجی بزرگ از ملی‌گرایی و میهن‌دوستی را در ایران خلق کرد که حتی گروه‌های اجتماعی مخالف هم در حمایت از آن به پا خاستند: «به جای آنکه این حملات خشم عمومی علیه حکومت ایران را برانگیزد، منجر به انفجار ملی‌گرایی شد. همان‌طور که جمهوری اسلامی از حمله اسرائیل جان سالم به در برد و با موشک‌های بالستیک خود تلافی کرد، واکنش نیروهای مسلح ایران هم با تشویق نویسندگان، هنرمندان و خوانندگان ایرانی روبه‌رو شد که بسیاری از آنها معمولا بی‌طرف یا مخالف هستند. تحلیلگران ایرانی از طیف‌های مختلف سیاسی، حمله اسرائیل را به حمله نازی‌های آلمان در سال ۱۹۴۱ به اتحاد جماهیر شوروی تشبیه کردند و این درگیری را به عنوان جنگ میهن‌پرستانه ایران بر کشیدند، یعنی یک مبارزه ملی که فراتر از سیاست می‌رود. حتی برخی مخالفان قدیمی و زندانیان سیاسی سابق نیز به این حرکت پیوستند». نتیجه‌گیری متن او بسیار مهم و قابل توجه است؛ او در تمام متن مفصل خود به این نکته اشاره می‌کند که ایران ضرباتی دریافت کرده و حتی همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، متن را خصمانه نوشته است اما در نهایت اذعان می‌کند: «نکته واضح این است که تهران همچنان مصمم ایستاده و بعید است رفتارش با قبل تغییر کند. این بدان معناست که اسرائیل ممکن است تصمیم به حمله مجدد بگیرد اما ایران می‌تواند به سرعت پاسخ دهد».